

# حکمت‌ناث

دوفصلنامه علمی-پژوهشی قرآن پژوهی  
سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
صفحات ۹۳-۱۱۰



## تبیین مبانی تفسیر علمی از دیدگاه زغلول نجار

محمد حسین خواجه‌بمی<sup>۱</sup>

### چکیده

تفسیر علمی یکی از روش‌های تفسیری در عصر حاضر است که همگام با پیشرفت علم و فناوری رشد چشمگیری نسبت به گذشته داشته، به گونه‌ای که اندیشمندان در تفسیر آیات علمی قرآن نگاشته‌های مستقل دارند. زغلول راغب محمد نجار مصری یکی از اندیشمندان معاصر است که تحقیقات گسترده در حیطه تفسیر علمی قرآن انجام داده است. این پژوهش بر آن است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای مبانی تفسیر علمی از دیدگاه این اندیشمند را استخراج کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نجار هشت مبنا را به عنوان تفسیر علمی برگزیده است: همسانی کتاب تشریح با کتاب تکوین، ماهیت هدایتی و علمی قرآن، سازگاری عقل و علم در اسلام، جاودانگی قرآن در پرتو اعجاز علمی و بیانی قرآن، فهم بهتر آیات در پرتو تفسیر علمی، روشنگری قرآن در مباحث ناپیدای علم، اعتماد به قوانین علمی قطعی و بررسی نظریه‌ها و فرضیه‌های علمی، و التزام بر عدم تطبیق مطالب غیرعلمی با تصور علمی بودن بر قرآن.

**واژگان کلیدی:** قرآن، نجار، مبانی، تفسیر علمی، جاودانگی قرآن، عقل، هدایت.

## ۱. بیان مسئله

بهره‌گیری از علوم تجربی و به طور کلی مباحث علمی، در تبیین معنا و مصادیق آیات قرآن همواره مورد اهتمام و توجه مفسران بوده است. برجسته‌ترین تفسیر علمی در میان گذشتگان مفاتیح الغیب فخررازی (م. ۶۰۶ق) و التبیان شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) است. در دوره اخیر تفسیر علمی با اقبال گسترده مواجه شده است. تفسیر علمی از روش‌های تفسیر آیات قرآن کریم است که با بهره‌گیری از یافته‌های علم تجربی حاصل می‌شود (طیب حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵۶). در این میان، یکی از اندیشمندانی که در زمینه اعجاز قرآن و ابعاد آن آثاری را به رشته تحریر درآورده، زغلول راغب محمد النجار است. زغلول علی‌رغم نگارش آثار متعدد در زمینه تفسیر علمی قرآن، به مبانی تفسیر علمی در آثار خود اهتمام ویژه نداشته، و عنوانی مستقل در این باره در آثار خود ارائه نداده است؛ اما می‌توان از خلال مباحث و شواهد وی مبانی تفسیر علمی را از دیدگاه زغلول استخراج کرد.

از این رو، با توجه به فقدان پژوهش در زمینه مبانی تفسیر علمی از دیدگاه زغلول، در این مقاله مهم‌ترین و برجسته‌ترین مبانی تفسیر علمی از دیدگاه زغلول تبیین می‌شود. براین اساس، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که زغلول راغب محمد النجار برای تفسیر علمی خود چه مبانی‌ای دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

عباسی و خزایی در کتاب «عجاز علمی قرآن کریم» بخشی از مقالات زغلول نجار را ترجمه کرده‌اند. مسترحمه در کتاب «قرآن و کیهان شناسی» ذیل بعضی مباحث علمی به کتاب «السماء فی القرآن الکریم» زغلول نجار اشاراتی کرده است. در مقاله «بررسی اعجاز تاریخی قرآن/از نگاه زغلول»، شیرافکن و حبیبی مهر، (۱۳۹۸) ضمن معرفی آثار زغلول اعجاز تاریخی قرآن از منظر ایشان را بررسی و معرفی کرده‌اند. حمیده واعظی در پایان‌نامه «اعتبارسنجی روش تفسیر علمی زغلول راغب نجار در تفسیر آیات مربوط به زمین» با تکیه بر کتاب تفسیر الآیات الکوئیه فی القرآن الکریم و الأرض فی القرآن الکریم به بررسی اعجاز مربوط به زمین از دیدگاه نجار پرداخته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هیچ‌یک از آثار فوق به مبانی تفسیر علمی از دیدگاه زغلول نجار نپرداخته‌اند.



### ۳. معرفی زغلول نجار

زغلول راغب محمد النجار در هفدهم نوامبر ۱۹۳۳ میلادی زاده شد. در دوران جوانی تحت تأثیر اندیشه اسلامی «شیخ حسن البنا»، مؤسس جماعت اخوان المسلمین قرار گرفت. وی پس از اخذ مدرک دکترای زمین شناسی به بررسی آیات علمی در قرآن پرداخته و تا به حال کتب تفسیری بسیاری در زمینه اعجاز علمی قرآن و سنت نبوی به چاپ رسانیده است که می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

تألیف بیش از ۱۵۴ پژوهش و مقاله و ۲۵ کتاب به زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسه: من آیات الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم (سه جلد)، تفسیر الآيات الكونية فی القرآن الکریم (چهار جلد)، النبات فی القرآن الکریم (پنج جلد)، المفهوم العلمی للجبال فی القرآن الکریم، السماء فی القرآن الکریم، القیوان فی القرآن الکریم، الأرض فی القرآن الکریم، الزلازل فی القرآن الکریم، خلق الانسان فی القرآن الکریم و قضية الإعجاز العلمی للقرآن.

چاپ بیش از ۵۴ مقاله در روزنامه الأهرام مصر درباره اعجاز علمی قرآن کریم با عنوان «از اسرار قرآن».

چاپ مقالات متنوع در مجلات: الدعوه، الإعجاز، قافله الزيت، المجتمع، الرساله و غیره. نجار انگیزه خویش را از تألیفات در زمینه اعجاز علمی قرآن چنین بیان کرده است: «تلاش‌های من برای تبیین جنبه‌های اعجازی کتاب الهی در حقیقت تلاش بشریت بود که شامل نقص‌هایی می‌شد. در عین حال، من همه این تلاش‌ها را صرفاً برای رضای خدا و خدمت به کتاب مقدس الهی انجام دادم. همچنین امیدوارم این اقدامات برای مسلمانان و غیرمسلمانانی که قرآن را مطالعه می‌کنند، سودمند باشد. به عنوان پاداش از خداوند، بخشش و رضایت الهی را خواستارم. به راستی که او بسیار بخشنده است. اگر من در گفته‌ام صادق بودم این لطف و راهنمایی خداوند بوده، و اگر در اشتباهم، خطا از من است و به جهت اشتباهاتم به درگاه الهی پوزش می‌طلبم که او آمرزنده مهربان است» (Zaghloul, 2006: 8).

زغلول راغب محمد النجار، به خاطر این تألیفاتی و داشتن تخصص در زمینه تفسیر علمی قرآن، به عنوان رئیس کمیته اعجاز علمی قرآن کریم در شورای عالی امور اسلامی مصر انتخاب شد. وی هم‌اکنون در بسیاری از انجمن‌ها و محافل علمی بین‌المللی عضویت دارد و به عنوان یکی از مؤسسان انجمن اعجاز علمی قرآن و سنت در مصر محسوب می‌شود.

#### ۴. مفهوم‌شناسی مبانی

کلمه «مبانی» در لغت به معنای اساس، بنیاد و بنیان هر شیء است (جر، ۱۳۶۳: ۱۸۱۳/۲). مبانی در هر علم، اساس، پایه‌ها، بستر و ساخت‌های زیرین آن علم محسوب می‌شود، از این رو، وجود مبانی برای هر علمی امری طبیعی، لازم و مسلم است. در دانش تفسیر قرآن، به دلیل اهمیت این دانش از نظر موضوع و غرض و فایده آن، وجود مبانی لازم‌تر، و بحث درباره آنها مهم‌تر است. از همین رو، مفسران در طول تاریخ تفسیر، همواره بر اساس مبانی از پیش پذیرفته شده‌ای به تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند.

مبانی تفسیری عبارت است از باور و اصول پذیرفته شده و مسلم مفسران که در فرآیند تفسیر آنها سهم می‌باشد (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۴۰). به عبارت دیگر، مبانی تفسیر، اصول موضوعه و باورهای بنیادینی است که تفسیر قرآن بر آنها استوارند (طب حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰).

تفسیر علمی همچون دیگر روش‌های تفسیری دارای مبانی عام (مشترک) و خاص است. مبانی عام آن دسته از مبانی اند که همه یا غالب مفسران آنها را پذیرفته‌اند؛ مانند قدسی بودن قرآن، نص و قرائت واحد قرآن، امکان و جواز تفسیر، حجیت ظواهر قرآن، نیاز مخاطبان قرآن به تفسیر و بررسی علل آن است (مؤدب، ۱۳۸۶: ۴۰). مبانی خاص تفسیر علمی به معنای پایه‌ها و اصول پذیرفته شده در تفسیر آیات علمی است که یک مفسر باید در تفسیر علمی از آیات به این مبانی پایبند باشد. این مبانی به عنوان پیش فرض‌های این روش تفسیری است و شامل موارد متعددی می‌شود که به صورت دسته‌بندی شده در کتاب خاصی جمع‌آوری نشده است و با بررسی شواهد و سخنان هر مفسر این مبانی را می‌توان استخراج کرد.

#### ۵. مبانی تفسیر علمی

در این بخش مبانی فکری زغلول نجار در تفسیر علمی تبیین می‌شود:

##### ۵-۱. هماهنگی میان کتاب تشریح و تکوین

همسانی کتاب تکوین و تشریح از جمله مبانی فکری نجار در تفسیر علمی است. مطابق این اصل، خالق و پدیدآورده طبیعت (کتاب تکوین) همان پدیدآورنده کتاب الهی (کتاب

تشریح) است؛ از این رو، تعارضی میان کتاب تشریح و تکوین وجود ندارد. در واقع، اولین مبنایی که در تفسیر علمی باید به آن باور داشت، اشتراک قلمرو علم و قرآن است بدین معنا که قرآن و علم همسو یکدیگرند. اقدام به تفسیر علمی تنها در جایی معنادار است که بین قرآن و علم اشتراک در قلمرو وجود داشته باشد وگرنه بحث از تفسیر علمی بی معنا خواهد بود (نفیسی، ۱۳۹۵: ۱۵۱).

زغلول مفتری است که از یافته‌های علمی در تفسیر آیات قرآن استفاده می‌کند، و بر این باور است که تعارضی میان حقایق موجود در هستی و طبیعت و آموزه‌های دینی وجود ندارد. وی معتقد است که اشارات قرآن کریم در زمینه هستی‌شناسی تماماً حق و همگرا با قوانین و سنن الهی در هستی است و تا جایی که معرفت انسانی گسترش یابد دلالت‌های ثابتی دارند (نجار، ۲۰۰۹: ۱۲۰). وی ارتباط میان کتاب تشریح و تکوین را اینگونه بیان می‌کند: «نظریه‌ای که می‌گوید تعدادی از دستاوردهای کلی علوم تجربی در تمدن مادی معاصر با اصول اسلامی ثابت تعارض دارد مطلب صحیحی نیست؛ زیرا تباین میان اصول اسلامی ثابت و علوم تجربی زمانی روی می‌دهد که استنتاجات جزئی یا شناخت جزئی، ناکافی و سطحی از هستی داشته باشیم. در این صورت، نگاه کلی ما به دستاوردهای علوم کنار زده می‌شود و نگاه جزئی ناقص به چنین رویکردی می‌انجامد» (نجار، ۲۰۰۷: ۴۱). بر این اساس، نجار معتقد است وقتی با نگاهی جزئی به مسائل نگاه شود، با قرآن ارتباط نخواهد داشت؛ ولی در نگاه کلی، کتاب تشریح و تکوین هم راستا و همسان هستند.

## ۲-۵. ماهیت هدایتی و علمی قرآن

نجار معتقد است که قرآن کتاب هدایت و علم است. از نگاه وی، هدایت و علم در قرآن با هم تعارضی نداشته، قابل جمع هستند؛ در نتیجه، اشارات علمی حق مطلق و در راستای هدف هدایتی است. زغلول نجار در این زمینه می‌نویسد: «میان اینکه قرآن کریم کتاب هدایت ربّانی و حاوی فرامین عقیدتی، عبادی، اخلاقی و معاملات به عنوان یک نظام کامل زندگی باشد و اینکه بر تعدادی از اشارات علمی دقیق برای استدلال بر عظمت خالق و قدرت الهی بر اعاده خلق باشد، تعارضی نیست. دلیل آن این است که اشارات علمی قرآن،

به عنوان بیان خداوند خالق هستی، می‌بایست حق مطلق باشد؛ چرا که او به آفرینش و هستی آگاه‌تر از همه است و اگر مسلمانان این حقیقت را از قدیم درمی‌یافتند، می‌توانستند در پژوهش‌های هستی‌شناسی بر دیگران سبقت گیرند. این نکته را ما امروز درمی‌یابیم که در پرتو هر آنچه از پژوهش‌های علوم صرف و علوم تطبیقی در زمینه آیات هستی‌شناسی قرآن ملاحظه می‌کنیم، چنین می‌یابیم که کتاب الهی حقایق علمی را با دقت در تعبیر و شمولیت در معنا و گستردگی حوزه معنایی آن، به گونه‌ای مطرح کرده که طی صدها سال از زمان نزول تاکنون به شهادت قطعی اهل نظر هیچ فردی نتوانسته است الهی بودن و وحیانی بودن آن را زیر سؤال برد و انکار کند» (نجار، ۲۰۰۷: ۳۴/۱).

بدین ترتیب، هدف قرآن تنها ذکر مسائل علمی نیست و بیان این مباحث در راستای هدایت و توجه دادن بشر به عظمت خداوند و درک حکمت الهی است. به عبارت دیگر، اگر قرآن در برخی از آیات به مباحث علمی و مسائل علوم تجربی اشاره کرده، در جهت همین هدف کلی است؛ و در مواردی که بشر با عقل خویش می‌تواند مسائل علمی را کشف و نیازهای خود را رفع نماید، به تفصیل وارد نشده است، چون هدفش بیان مسائل علمی نیست و تنها هدف و انگیزه بیان برخی از کلیات علوم، توجه دادن بشر به عظمت خداوند و درک حکمت الهی است (ر.ک: سعیدی روشن و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵۴).

### ۳-۵. سازگاری عقل و علم در اسلام

یکی دیگر از اساسی‌ترین مبانی فکری تفسیر علمی که حتی مخالفان تفسیر علمی نیز بدان اذعان داشته‌اند این است که اسلام دین عقل و علم است؛ بدین معنا که از یک سو، به عقل و ملازمان آن توجه دارد و انسان را به تأمل در هستی فرامی‌خواند و به تحصیل علم ترغیب می‌کند؛ و از سوی دیگر، با آموزه‌های خود پیش‌فرض‌های لازم برای تحقیق علمی را فراهم می‌آورد و حتی فراتر از آن، عقل علمی را با دعوت به پرهیز از پیروی از ظن و هوا و هوس، و تقلید و اطاعت کورکورانه، به نظر در عوالم هستی پرورش می‌دهد (سعیدی روشن و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵۲).

از دیدگاه نجار میان عقل و علم همسویی و سازگاری وجود دارد که منجر به شکوفایی



تمدن می‌شود. وی با استناد به آیات ۱۳ و ۱۴ سوره زخرف «... سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ \* وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» به چنین اعتقادی می‌رسد که چه بسا منظور خداوند از آیات تسخیر این باشد که خداوند متعال با چنین تسخیری بر بندگان خود منت نهاده است؛ تسخیری که از رفیع‌ترین نعمت‌های الهی است. او در ادامه می‌نویسد: «سَخَّرَ حَوَاسِكُمْ وَعَقْلَكُمْ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ؛ عقل و حواس شما را بر همه چیز مسخّر کردیم؛ یعنی انسان می‌تواند با حس و عقلش به نشانه‌هایی که در پهنه هستی قرار دارد دست یابد. وی همچنین معتقد است دعوتی که قرآن برای تأمل در آفرینش و دریافت سنن الهی در آبادانی زمین دارد برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و محدود به زمان و مکان خاصی نیست.

نجار زیباترین نشانه‌ای که انسان در هستی دارد را اینگونه بیان می‌کند که خداوند نشانه‌های آنچه در زمین، قبل و بعد از ما، درون زمین یا دور از دید ما، اتفاق می‌افتد را روی زمین قرار داده است تا انسان با بررسی این پدیده‌ها و تفکر و تعقل درباره آنها به اصل آن پی ببرد. وی در این باره چنین می‌نویسد: «از زیباترین نشانه‌هایی که انسان پژوهشگر در هستی درک می‌کند فراوانی نشانه‌های مادی ملموسی است که در هر حادثه‌ای در آفرینش ایجاد می‌شود؛ نشانه‌هایی که در صحنه آفرینش و صخره‌های زمین تدوین شده و انسان می‌تواند با حواس و عقلش، و روش علمی استقرایی صحیحی به آن دست یابد. هیچ حادثه‌ای در صحنه آفرینش ایجاد نمی‌شود جز اینکه انسان تدوین‌کننده آن است و هیچ ستاره‌ای خاموش نمی‌شود مگر این که اثری به دنبال دارد و هیچ لرزشی در زمین یا آتش فشانی در کوه ایجاد نمی‌شود مگر آن که در صخره‌های زمین اثرش باقی می‌ماند» (نجار، ۲۰۰۷: ۴۰/۱)

نجار فهم و تفسیر آیات را نقص یا قوتی بر قرآن نمی‌داند؛ چراکه قرآن بالاتر از این‌هاست. زغلول، قرآن را مشوق بکارگیری حواس در جهت تلاش برای یافتن ابعاد مختلف مسائل می‌داند و می‌نویسد: «فهم و تفسیر آیات هستی‌شناسی در پرتو دستاوردهای علوم تجربی برای قرآن کریم نقص و اشکالی به بار نمی‌آورد و نیز تقویتی برای مضامین قرآنی محسوب نمی‌شود؛ چرا که قرآن قطعاً فوق آنهاست. تفسیر آیات بر اساس دستاوردهای علوم جدید تلاشی انسانی است که تا قبل از این بدان دست نیافته بودند و تلاش‌های انسانی برای فهم قرآن نقص و ایرادی بر قرآن کریم به شمار نمی‌رود؛ چه به درستی دریافت، و یا آن تلاش‌ها به

خطا منجر شده باشد. در غیر این صورت، قرآن کریم این همه آیات و اشارات را برای ترغیب انسان‌ها بر بکارگیری همه حواس انسانی در جهت تلاش و دقت نظر در جنبه‌های مختلف هستی‌شناسی و با روش استقرایی دقیق به کار نمی‌گرفت» (نجار، ۲۰۰۷: ۳۹/۱)

همچنین نجار معتقد است اشارات علمی هستی‌شناسی در قرآن کریم با هدف تبلیغ دانش‌های علمی نبوده است؛ چرا که حکمت الهی اقتضا می‌کند که مجال گسترده‌ای را برای تلاش مجتهدان و رقابت رقابت‌کنندگان فراهم آورد که هر نسلی پس از نسل دیگر تا پایان روزگار از آنها استفاده کنند. بنابراین، اگر اراده خداوند بر این تعلق می‌گرفت که آفرینش باید تمام حقایقش را در برابر انسان قرار دهد، هدف زندگی دنیا از بین می‌رفت؛ چرا که دنیا دار ابتلاء و آزمایش است و رازی که انسان برای آن به وجود آمده است، پنهان می‌ماند و حواس پنج‌گانه او و ظرفیت‌های عقلی و فکری‌اش افول می‌کرد و لحظات انسانی نسلی بعد نسل و روزگاری پس از روزگار به صورت یکنواخت و بدون هیچ‌گونه تنوعی و نوآفرینی‌ای راکد می‌ماند. علاوه بر این، عقل بشر از پذیرش حقایق آفرینش به صورت دفعی و غیرتدریجی عاجز است و برای درک و فهم آن به پی بردن تدریجی از راه بررسی و استخراج دلیل‌ها و سیر تدریجی دستاوردهای دانشمندان در طول روزگاران طولانی نیاز دارد؛ به عبارتی، اگر همه علوم در قرآن بیان می‌شد، دیگر علم تدریجی‌ای شکل نمی‌گرفت و دیگر انگیزه‌ای برای شناخت عالم هستی وجود نداشت» (نجار، ۲۰۰۹: ۱۰۹)

#### ۴-۵. جاودانگی قرآن در پرتو اعجاز علمی و بیانی قرآن

نجار معتقد است که تبیین اعجاز قرآن جاودانگی آن را مبرهن می‌سازد. وی دو وجه برای اعجاز قرآن بیان می‌کند، اعجاز علمی و اعجاز بیانی. در بعد اعجاز علمی قرآن بر این باور است مفسری که برای شرح آیات هستی‌شناسی به حقایق علمی ثابت و قطعی تمسک می‌کند باید دانشی را برگزیند که پیشینیان به آن دست نیافته‌اند و گونه‌ای از اعجاز را دریافت کند که دانشمندان سلف از آن بی‌خبر باشند. (نجار، ۲۰۰۹: ۱۱۹)

زغلول اشاره می‌کند به اینکه قرآن معجزه در بیان و نظم، فصاحت و بلاغت، بیان دقیق محتوا، و معارف، عقاید و دستورات اخلاقی است و در شیوه تربیتی نظیر ندارد؛ و نیز،



مشمتمل بر اخبار غیب در حوزه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و غیره است. سپس تأکید می‌کند که منظور از اعجاز علمی قرآن همین بعد اخیر است که اشارات و نکات متعدد قرآنی در حوزه هستی و انسان را شامل می‌شود و البته، دستیابی به آن جز با گذشت زمان و قرن‌ها سخت یا غیرممکن است. تفسیر علمی این التزام را بر دانشمندان مسلمان می‌دهد که آیات هستی‌شناسی قرآن را با تمام جوانب آن بررسی و تفسیر کنند و ابعاد اعجازی آن را در قالب برهان‌های روشن و با منطق درست تبیین نمایند تا موجب زیاد شدن ایمان مردم مسلمان به قرآن، و اتمام حجت با کفار گردد (نجار، ۲۰۰۹: ۱۱۹). به عنوان مثال در ذیل آیه «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا» (غافر، ۶۴) ضمن توجه به معانی متعدد، به اعجاز علمی آیه نیز تصریح می‌کند. نجار واژه «قرار» را از دو منظر توضیح می‌دهد:

۱. «قرار» به معنای ثابت بودن ذرات زمین است که به سبب وجود آهن و عناصر سنگین، و نیز، هفت لایه داخلی زمین، از مرکز زمین تا پوسته، کل حرکات زمین و خورشید و ماه، از حرکت‌های محوری و نیروهای جاذبه بین آنها و نقش کوه‌ها در استقرار زمین، ایجاد شده است.

۲. «قرار» به معنای آمادگی برای سکونت و زندگی است که خداوند متعال سطح زمین را مناسب برای عمران و آبادانی و زندگی قرار داده است. اگر لایه‌های سطح زمین دائماً حرکت می‌کرد یا فاصله زمین از خورشید کمتر یا بیشتر بود و یا زمین با سرعت بیشتری می‌چرخید، در همه این موارد، زمین برای حیات و زندگی کردن مناسب نبود (نجار، ۲۰۰۷: ۳/۲۴۸).

همچنین نجار در ذیل آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات، ۴۹) بیان دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان، زوجیت را فقط مختص عالم گیاهان نمی‌داند، بلکه معتقد است زوجیت در خلق همه موجودات زنده تا جمادات وجود دارد (نجار، ۲۰۰۷: ۴/۴۴۵). وی، درباره اعجاز بیانی قرآن در ذیل آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبیاء، ۳۳) می‌نویسد: در زمانی که مردم به ثابت بودن و سکون زمین اعتقاد داشتند قرآنی نازل شد که بر حرکت زمین و باقی اجرام آسمانی تأکید داشت. ولی این حرکات برای انسان ناشناخته بود و در عین حال، قرآن با اشارات دقیق و لطیف و غیرمستقیم به بیان آن پرداخت تا ساکنان جزیره العرب در هنگام نزول قرآن آن را یک باره رد نکنند؛ چرا که آنان اهل معرفت و دانش علمی نبودند و به تحصیل آن اهتمامی نداشتند. پس اگر اشارات قرآنی

متعدد برای حرکات زمین به صورت واضح و صریح در مقابل نظر آنان که قائل به ثبات و عدم حرکت زمین بودند، مطرح می‌شد، موضع‌گیری صریح می‌کردند و قرآن، پیامبر ﷺ و وحی الهی را تکذیب می‌کردند. بر این اساس است که طرح حقایق آفرینش توسط قرآن کریم در دوره نزول وحی به صورت غیرمستقیم و با اشاره‌های متعدد مطرح شده است؛ اما از آن جایی که این جملات بیان الهی است، با عبارات محکم و دقیق و جامع مسائل علمی مطرح شده است تا جایی که همه انسان‌ها در دوران‌های مختلف بتوانند از آن اشارات استفاده کنند (نجار، ۲۰۰۷: ۱۳۱/۲).

از این رو، نجار معتقد است که اجمال در آیات از نشانه‌های علمی و بیانی قرآن کریم است؛ زیرا هر اشاره علمی‌ای که قرآن دارد به صورت اعجازگونه و مستحکم در دلالت طراحی شده که انسان‌ها، با همه اختلافات فرهنگی و تفاوت ادراکات‌شان، و نیز نسل‌ها و دوران‌های گوناگون‌شان، هر کدام به فراخور خود معانی مناسب آن را با پیشینه ذهنی خود درک کنند تا در نتیجه، معنای به دست آمده از یک آیه مکمل برداشت‌های دیگران با هماهنگی بسیار شگفت‌انگیز و تکاملی باشد (نجار، ۲۰۰۷: ۱۳۱/۲).

همچنین از منظر نجار، جاودانگی و اعجاز قرآن در اعجاز بلاغی قرآن نهفته است. وی مانند سایر اندیشمندان معتقد است حضرت محمد ﷺ در عصری که فصاحت و بلاغت زبان عربی مردم عربستان مشهور بود، مبعوث شدند. قرآن به تحدی با اعراب پرداخت به طوری که نتوانستند کتابی مانند قرآن یا ده سوره یا حتی سوره‌ای مانند آن را ارائه دهند؛ و هنوز هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند چنین ادعایی کند (نجار، ۲۰۰۷: ۱۳۱/۲). این حقیقت که قرآن در کمال بلاغت قرار دارد مفسران را عمیقاً به تمرکز در زمینه ماهیت اعجاز‌آمیز قرآن در زمینه نگارش و سبک نوشتاری آن واداشته است. در حقیقت میتوان گفت هر انسان واقع‌بین و روشن‌اندیشی که به قرآن بنگرد آن را از هر سو پدیده اعجازی می‌یابد (نجار، ۲۰۰۷: ۱۳۱/۲).

## ۵-۵. فهم بهتر آیات در پرتو تفسیر علمی

یکی دیگر از مبانی مفسران تفسیر علمی آن است که معتقدند بهره‌گیری از تفسیر علمی، فهم بهتری را از برخی آیات در پی دارد؛ «پیشرفت علم، فهم بعضی از آیات قرآنی را

آسان می‌کند؛ مقلا رتق و فتق در آیه ۳۰ سوره انبیاء یا موضوع زوجیت عمومی اشیاء در آیه ۴۹ سوره ذاریات با دانش امروز بهتر درک می‌شود (ر.ک: گلشنی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). در واقع، مفسران تفسیر علمی معتقدند قرآن متضمن آیات دشوار است که در قرون گذشته معنای آنها مبهم بوده و صحابه تنها در حدّ معنای ظاهری آیات را درمی‌یافتند؛ ولی امروزه ابهام آنها برطرف شد و در پرتو علوم جدید حقیقت آنها هویدا شده است» (عک، ۱۴۰۶: ۲۲۱؛ ابوظیاب، ۱۴۲۰: ۱۴۲). نجار نیز معتقد است دستاوردهای هستی‌شناسی به معنای خاص و مجموعه دانش‌هایی که پیرامون آن هستند به صورت عام، دائماً در حال تغییر و دگرگونی هستند، در حالی که کلمات قرآن و حروف آن ثابت و لایتغیرند و همین نکته از بزرگ‌ترین شواهد اعجاز کتاب الهی است. علی‌رغم این که الفاظ قرآن ثابت است ولی فهم بشر بر اساس دانش‌های جدید روز به روز گسترده‌تر می‌شود، اما برداشت‌های بشری از قرآن، در طول زمان تکمیل می‌شود و فهم گسترده‌تر و عمیق‌تری می‌یابد (نجار، ۲۰۰۷: ۳۶/۲). بدین ترتیب، علی‌رغم ثابت بودن الفاظ کتاب خداوند متعال در هر دوره، فهم انسان‌ها از دانش بیشتر شده است؛ اما در هر دوره، برداشت‌های متفاوتی از آیات ایجاد می‌شود که یکدیگر را تکمیل می‌کنند. مهم‌تر آنکه این تکامل دیدگاه‌ها برای غیر کلام الهی میسر نمی‌شود، مگر زمانی که مفسر قرآن از طریق به کارگیری ابزارهای تفسیر وارد نشده، یا از ابزارهای تفسیر قرآن به گونه‌ای ناشایست استفاده کرده باشد که دیگران را گمراه سازد (نجار، ۲۰۰۷: ۳۶/۲). بنابراین، نجار معتقد است که علم در رساندن مفسر به معنای آیه و مراد خداوند متعال نقش دارد و پیشرفت علم فهم برخی آیات را آسان‌تر می‌سازد؛ و به عبارت دیگر، به تعمیق مدلول نص یاری می‌رساند.

مفسران علمی نیز معتقدند علم در رساندن مفسران به معنای آیه و مراد خداوند نقش بسیاری داشته و پیشرفت علم باعث فهم بهتر آیات قرآنی شده است. ایشان حتی فهم بسیاری از آیات هستی‌شناسانه قرآن را متوقف بر دانستن حقایق علمی و در واقع تفسیر علمی دانسته‌اند و معتقدند که امروزه پیشرفت علم به فهم بهتر قرآن بسیار کمک می‌کند؛ درحالی‌که فهم مفسران گذشته بیشتر در حدّ ظاهر الفاظ بوده است (ر.ک: سعیدی روشن و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵۹).

آیه ۹ و ۱۰ سوره عنکبوت از جمله آیاتی هستند که نجار با استناد به آنها، تأثیر علم در فهم بهتر قرآن را ثابت می‌کند: «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۹﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰﴾». این آیات اشاره می‌کنند به اینکه زمین پرورنده‌ای است سرشار از حقایقی که می‌توان برای کیفیت آفرینش اول به آن استدلال کرد و نیز بر امکان آفرینش دوم از آن استمداد گرفت. در این آیه شریفه، به رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر شده است که همه مردم را برای گردش و سیاحت در زمین فراخواند تا برای کیفیت آفرینش آغازین از آن عبرت گیرند. همین نکات است که اگر از دشوارترین قضایای علمی شمرده نشود، از علوم هستی‌شناسی خالص و تطبیقی به شمار می‌رود. در کتاب خدا و سنت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قضایای خلق، نابودی و بازگشت انسان‌ها با اشاره‌های لطیفی آمده است که انسان مسلمان با برتری نظریه‌ای بر نظریه دیگر و ارتقاء آن به مقام حقیقت، دسترسی به آن را برایش ممکن می‌شود و با قرآن و سنت به پیروزی نائل می‌آید؛ ولی برعکس درست نیست، یعنی با علوم نمی‌توان به قرآن و سنت رسید (نجار، ۲۰۰۷: ۳۸/۱-۳۷).

## ۵-۶. روشنگری قرآن در مباحث ناپیدای علم

یکی دیگر از مبانی فکری تفسیر علمی در اندیشه نجار این است که قرآن راه‌دایت‌گرانسان در اموری می‌داند که از آن اطلاع ندارد و بدون هدایت قرآن نمی‌تواند به تصوّر روشنی از آن دست یابد. در حقیقت، برای انسان‌ها با مراجعه به قرآن تا حدودی زمینه هدایت درست در مسائل علوم طبیعی شکل می‌گیرد. اگرچه علمای تجربی در زمینه حقایق هستی با مشاهده و استنتاج یا با چندین بار آزمایش به نتیجه‌گیری دست می‌یابند، اما برخی از پدیده‌های هستی آن‌چنان‌اند که اندیشمندان علوم تجربی تا ابد به حقیقت آن دست پیدا نمی‌کنند؛ مانند مسائل مربوط به آفرینش، ایجاد هستی و ایجاد حیات و زندگی و خلقت انسان؛ چرا که این‌گونه موارد قضایایی هستند که انسان بدون هدایت الهی نمی‌تواند تصوّر روشن از آن داشته باشد و اگر ثبات و قطعیت در سنت‌ها و قوانین الهی که بر همه آفرینش حاکم است، وجود نداشت، انسان امکان دست‌یابی و کشف آنان را پیدا نمی‌کرد.

با توجه به اینکه خداوند متعال درباره قرآن چنین فرموده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر، ۱۷) هیچ انسان عاقلی گمان نمی برد که درصدد برآید تا آنچه بیش از طاقت او در فهم کتاب الهی است به آن دست یابد؛؛ مانند نظریاتی که برای اصل هستی انسان مطرح است، خداوند متعال در این باره چنین می فرماید: «مَا أَشْهَدُهُمْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ وَ مَا كُنْتُمْ تُخْذِلُونَ الْمُضِلِّينَ عَصُدًا» (کهف، ۵۱). قرآن در آیات دیگری انسان را به کیفیت آفرینش خود امر می کند و این مسئله از دشوارترین گزاره های علوم هستی شناسی صرف و تطبیقی است: «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ \* قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت، ۲۰-۱۹). قرآن از گمراهی جلوگیری می کند و از چیزهایی که ما اطلاع نداریم خبر می دهد تا به دنبال آن برویم و برای کشف حقیقت تلاش کنیم، همانند آیه فوق. خداوند در این آیه اشاره می کند به این که زمین پرورنده ای است سرشار از حقایقی که می توان برای کیفیت آفرینش اول به آن استدلال کرد و نیز بر امکان آفرینش دوم از آن استمداد گرفت. در این آیه شریفه به رسول اکرم ﷺ امر شده است که همه مردم را برای گردش و سیاحت در زمین فراخواند و برای کیفیت آفرینش آغازین از آن عبرت گیرند (نجار، ۲۰۰۷: ۳۷/۱)

نجار معتقد است قرآن کریم آغازگر حقایق هستی شناسی است که علم بشر هنوز بدان دست نیافته است؛ چراکه ایمان داریم که قرآن کریم کلام خالقی است که صفات ربّانی و اشراقات نورانی دارد، پس تمام آن حق مطلق است؛ بنابراین، اشارات علمی مربوط به آفرینش که در قرآن آمده، بهانه ای است برای یادآوری قدرت مطلقه الهی، بی نظیر بودن آفرینش الهی، جامعیت علم الهی، کامل بودن صفات و افعال الهی، و بیانی است از سوی خالق آفرینش و آفریدگار هستی (نجار، ۲۰۰۹: ۱۰۸).

فراخوانی قرآن برای تأمل در آفرینش و دریافت سنن الهی در آبادانی زمین و اقدام برای خلیفه الهی در زمین برای همه زمان ها و مکان ها است، و فراخوانی است که نه ایستایی دارد و نه عقب ماندگی. پس حیطة شناخت انسانی هر چقدر گسترش یابد، قرآن کریم همچنان مهیمن و محیط بر آن باقی خواهد ماند؛ چراکه قرآن کلام آفریدگاری است که هستی را با علم و قدرت و حکمتش ایجاد کرد و بر آفرینش خود از دیگران آشناتر و آگاه تر است. نجار در این

باره معتقد است که بنابراین انسان‌ها با گذشت زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی فهم بهتر و بیشتری از آیات الهی خواهند داشت و انسان مسلمان با برتری نظریه‌ای بر نظریه دیگر و ارتقاء آن به مقام حقیقت، دسترسی به آن را ممکن می‌کند و به نکات جدیدتری از آیات علمی می‌رسد (نجار، ۲۰۰۷: ۴۰/۱-۳۷).

### ۷-۵. اعتماد به قوانین علمی قطعی و بررسی نظریات و فرضیات علمی

از نظر نجار همه آموزه‌های علمی از قطعیات و اعتبار لازم برای تفسیر آیات برخوردار نیست؛ چراکه علوم تجربی ابطال‌پذیر هستند، بدین معنا که هر کدام از نظریه‌ها و حقایق علمی، بعد از مدتی باطل، و نظریه بهتری جایگزین آن می‌شود. در نتیجه، لازم است در تفسیر علمی بین علوم تجربی قطعی و نظریه‌های ظنی تفاوت گذاشته شود و برای تفسیر از علوم تجربی قطعی استفاده کرد. نجار در این زمینه معتقد است که بین فرضیه‌ها، نظریه‌های غیرقطعی، و قاعده‌ها و قانون‌ها تفاوت روشنی وجود دارد که به صورت طبیعی پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند؛ به این معنا که علوم تجربی ابتدائاً فرضیه، و سپس نظریه هستند و در نهایت، به قاعده و قانون ختم می‌شوند (نجار، ۲۰۰۷: ۳۷/۱-۳۶).

نجار به صورت مبالغه‌آمیزی معتقد است همان‌گونه که پژوهشگران قرآنی برای فهم بعضی از دلالت‌های لفظی و بیانی قرآن و سایر موارد نظریه‌پردازی می‌کنند و در تفسیر قرآن چنین مباحثی را دارای اشکال نمی‌بینند و تا زمانی که به نص قطعی مآثور نرسیده‌اند به آن ادامه می‌دهند، ما نیز برای فهم آیاتی که به اعجاز هستی‌شناسی قرآن در پرتوی معارف بشری است اشکالی نمی‌بینیم که روی فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی پیرامون هر آیه به بحث بپردازیم، حتی اگر دانش‌ها از دستاوردهای علمی به سطح حقایق و قوانین ثابت نرسیده باشد؛ چرا که دانش تفسیر عبارت است از تلاش همه‌جانبه بشری با همه نواقص و مشکلاتی که بشر دارد (نجار، ۲۰۰۷: ۳۷/۱).

نجار در جای دیگر چنین توضیح می‌دهد که پژوهشگر آیات علمی برای استشهاد به اعجاز علمی مستفاد از آیه یا آیات قرآنی در زمینه یک موضوع یا موضوعات متنوع باید بر استخدام حقایق علمی یقینی تأکید ورزد. او معتقد است این ضابطه در کلیه آیات هستی‌شناسی

قرآن، به غیر از اموری که مربوط به آفرینش، نیستی و بعثت است جاری است. مراد از آیات هستی‌شناسی در کلام نجار، آیاتی است که امکان تکامل و هم‌افزایی علمی آن با نظریات مختلف وجود داشته باشد؛ با تأکید بر این که حقیقت علمی در هیچ زمانی از بین نمی‌رود، بلکه توضیح و تفصیل آن با تلاش اندیشمندان، نسل به نسل افزایش می‌یابد؛ چراکه شناخت علمی، آن‌گاه که به سطح حقیقت یا قانون می‌رسد تغییر نمی‌کند، بلکه روشن‌تر و واضح‌تر می‌شود (نجار، ۲۰۰۹: ۱۵۰).

بدین ترتیب، نجار معتقد است که باید در تفسیر قرآن از علوم تجربی قطعی استفاده کرد؛ ولی در ادامه بیان می‌دارد که کنار گذاشتن فرضیه و نظریه در تفسیر آیات اشتباه است، بلکه طبق معنای تفسیر، باید به هر نظریه و فرضیه‌ای برخورد کردیم، بر روی آن بحث و بررسی کنیم تا به حقیقت برسیم؛ و از طرفی، نباید آنها را به طور قطع به ساحت قرآن کریم نسبت دهیم.

برای نمونه، نجار ذیل آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق، ۱۲) با اشاره به خلق هفت آسمان و هفت زمین همانند آسمان، به تفصیل آنها را بررسی می‌کند. از آن جا که در پژوهش‌های هستی‌شناسی و علم فیزیک کروی بودن آسمان ثابت شده است و از سوی دیگر، به نص قرآن آسمان‌های هفت‌گانه باهم انطباق دارند و همه آنها کروی هستند و پیرامون یک مرکز در گردش هستند، زمانی که انسان بخواهد با استفاده از نیروی گریز از مرکز، از جاذبه زمین عبور کند و به فضا راه یابد، سرعت گریز از مرکز آن قدر زیاد است که انسان طاقت آن را ندارد، علاوه بر اینکه کوتاهی عمر انسان هم اجازه آن را نمی‌دهد؛ بنابراین، امکان خروج انسان از آسمان دنیا میسر نیست، مگر به اذن الهی. در نتیجه، انسان فقط قادر است در همین آسمان دنیا، کهکشانی را بپیماید و رسیدن به بقیه هفت آسمان برای انسان مقدور نیست.

مطابق آیه قرآن می‌توان گفت آسمان‌های هفت‌گانه بر هم متطابق اند، به گونه‌ای که هر کدام از آن آسمان‌ها، آسمان درونی خود را پوشش می‌دهد؛ البته این آسمان‌های هفت‌گانه، غیر از آسمان دودی اولیه است که در آغاز آفرینش به وجود آمد. همچنین، از آیه فوق چنین

برداشت می شود که زمین های هفت گانه نیز هر یک بر دیگری منطبق هستند، به گونه ای که زمین بیرونی پوشش زمین داخلی است؛ البته این زمین ها هم، با زمین اولیه متفاوت هستند. بنابراین، همه این آسمان ها و زمین ها در زمینی است که ما در آن زندگی می کنیم، چنان که آیه فوق بر آن تأکید می کند. اما درباره لایه های زمین، انسان ها به دلیل ابعاد وسیع زمین و نیز محدودیت امکاناتشان، نتوانستند به ترکیب داخلی زمین به صورت مستقیم دست یابند؛ اما با پژوهش بر روی امواج زلزله و بعضی از خاصیت های طبیعی و شیمیایی عناصر زمین، موفق شدند به تعدادی از دستاوردهای غیر مستقیم از ترکیبات داخلی زمین برسند. یافته های پژوهش آنان نشان می دهد که لایه های زمین شامل پوسته سخت و سنگی زمین، جبه یا همان گوشته، هسته خارجی و داخلی است. البته، این لایه های زمین، به چند لایه دیگر تقسیم می شوند و اگر چه ممکن است اندکی بین دانشمندان در چگونگی تقسیم بندی این لایه ها اختلاف نظر باشد؛ اما همگی به هفت لایه آن اذعان دارند (نجار، ۲۰۰۷: ۱۵۵/۳). بدین ترتیب، این یک نظریه ثابت نشده است که نجار با قرائن علمی دلیلش را ذکر می کند. نجار این نظریه را بر قرآن تحمیل نمی کند؛ ولی آن را یک شگفتی علمی می داند که در قرآن مطرح شده است.

#### ۸-۵. التزام بر عدم تطبیق مطالب غیر علمی بر قرآن

با توجه به این که نجار یک فرد دانشمند است، هنگام تفسیر علمی آیات هرگز به موارد خرافی و غیر علمی، و مطالبی که مرتبط با احضار ارواح، و از حیطة علم خارج است نپرداخته. نجار یکی از ضوابط کار پژوهشگر اعجاز علمی را فرو نرفتن در مسائل علم غیب، مانند ذات حضرت حق یا روح، ملائکه، جن، حیات برزخی، حساب قبر، بعثت، حساب، میزان، صراط، بهشت و جهنم و نظایر آن می داند و معتقد است که باید تسلیم روایات رسیده شد (نجار، ۲۰۰۹: ۱۵۰) که این یکی از محاسن کار ایشان به شمار می آید.



## نتیجه‌گیری

مبانی تفسیر علمی نجار که در مقدمه اکثر کتاب‌های وی بیان شده است را می‌توان در هشت مبنا بیان کرد:

۱. همسویی کتاب تشریح و تکوین: اشارات قرآن در زمینه هستی‌شناسی تماماً همگرا با قوانین الهی در هستی است.

۲. قرآن کتاب هدایت و علم است: بین جنبه هدایتی قرآن و اینکه اشارات علمی دقیق برای استدلال بر عظمت خالق باشد، تعارضی نیست.

۳. سازگاری عقل و علم در اسلام: اسلام دین عقل و علم است و خداوند متعال نشانه‌هایش را روی زمین قرار داده تا انسان به کمک عقل خویش به تفکر و تدبّر بپردازد.

۴. جاودانگی قرآن در پرتو اعجاز علمی و بیانی قرآن: هرگز شگفتی‌های قرآن پایان نمی‌پذیرد و سخن قرآن قدیمی نمی‌شود، بلکه فراخوانی برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست.

۵. فهم بهتر آیات در پرتو تفسیر علمی: کلمات قرآن لایتغیرند؛ اما دانش‌های پیرامون ما دائماً در حال دگرگونی‌اند. به خاطر همین، برداشت‌های بشری از آیات هم با گسترش فهم بشر متفاوت می‌شود؛ اما این برداشت‌ها نافی یکدیگر نیستند، بلکه همدیگر را تکمیل می‌کنند و فهم گسترده‌تر و عمیق‌تری می‌دهند.

۶. روشننگری قرآن در مباحث ناپیدای علم: قرآن هدایت‌گر انسان در اموری است که از آن اطلاع ندارد و بدون هدایت قرآن، انسان به تصور روشنی نمی‌تواند دست یابد.

۷. اعتماد به قوانین علمی قطعی و بررسی نظریه‌ها و فرضیه‌های علمی: در تفسیر آیات باید از علوم تجربی قطعی استفاده کرد و درباره نظریه‌ها و فرضیه‌ها نیز بحث کرد تا به حقایق برسیم. البته نمی‌توان نظریات را بر آیات قرآن تحمیل یا تطبیق داد.

۸. التزام بر عدم تطبیق مطالب غیر علمی با تصور علمی بودن بر قرآن: مطالب غیر علمی، چون احضار ارواح و مباحث فراحسی (غیب) را نمی‌توان در تفسیر علمی داخل کرد.

## منابع

\* قرآن کریم.

۱. ابو ذیاب، خلیل ابراهیم (۱۴۲۰)، *ظاهره التفسیر العلمی للقرآن الکریم*، عمان: دار عماد.
۲. جر، خلیل (۱۳۶۳)، *فرهنگ لاروس*، ترجمه: حمید طیبیان، تهران: امیر کبیر.
- سی سعیدی روشن، محمد باقر و همکاران، (۱۳۹۰)، *آسیب شناسی جریان های تفسیری*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. طیب حسینی، محمود و همکاران (۱۳۹۶)، *تفسیر شناسی؛ مبانی، منابع، قواعد، روش ها و گرایش ها*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹)، *مبانی و روش های تفسیر قرآن*، تهران: وزارت ارشاد.
۶. عک، خالد عبدالرحمن (۱۴۰۶)، *اصول التفسیر و قواعد، الطبعة الثانية*، بیروت: دار التفائل.
۷. گلشنی، مهدی، (۱۳۸۴)، *قرآن و علوم طبیعت*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. مؤدب، رضا (۱۳۸۶)، *مبانی تفسیر قرآن*، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۹. نجار، زغلول، (۲۰۰۹)، *مدخل الی دراسه العجاز العلمی فی القرآن الکریم و السنة النبویة المطهرة*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. ----- (۲۰۰۷)، *تفسیر الآیات الکوئیة فی القرآن الکریم*، قاهره: مکتبه الشروق الدولیه.
۱۱. نفیسی، شادی (۱۳۹۵)، «*مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم*»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۵، شماره ۱، ص ۱۴۹-۱۶۸.
۱۲. -Elnaggar zaghoul (۲۰۰۶), scientific facts revealed in the glorious quran, bayan translation services, the first edition.